

# آیا دوست داشتن حیوانات با حمایت از آنها فرق دارد؟ - دیجیاتو

مریم ملی | سه شنبه، ۱۲ اسفند ۱۳۹۹

به مناسبت روز جهانی حیات وحش - به نظر شما حمایت از حقوق حیوانات چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ غذا دادن به حیوانات و پرنده‌هایی که در کوچه و خیابان می‌آینیم، به خانه آوردن حیوانی که زخمی است و سرپرستی ندارد، مراقبت از بچه‌های حیوانی که در تصادف و یا حادثه‌ای دیگر از بین رفته است، مهربانی و حمایت از حیوانات تعریف می‌شود؟

از آن جایی که شاید بسیاری از ما از اخلاق برخورد با حیوانات مختلف بی‌اطلاع هستیم گاهی بین محبت و علاقه و حمایت از حق حیوانات دچار اشتباه می‌شویم. در این مطلب کوتاه و مختصر نگاهی می‌اندازیم به شکل رفتارهایی که با حیوانات اهلی و غیر اهلی داریم و مسئولیت‌های اخلاقی‌مان را در برابر حیواناتی که به سرپرستی گرفته‌ایم با هم مرور می‌کنیم.

این مطلب صرفاً مجموعه‌ای از نظرات و پژوهش‌های حقوق‌دان‌ها و فعالان محیط زیست درباره حقوق حیوانات است و ممکن است بخشی از آن در زندگی امروز ما عجیب و دور از ذهن به نظر برسد؛ اما آشنایی با روند تغییراتی که انسان در زندگی حیوانات مختلف ایجاد کرده برای همه ما لازم و ضروری است و از دل آن راهکارها و روش‌هایی برای زندگی بهتر در کنار حیوانات به دست می‌آید.

## درباره اخلاق برخورد با حیوانات و حقوقشان چه می‌دانیم؟

پروفسور «گری ال فرانسیون» استاد حقوق دانشگاه راتگرز می‌گوید: «وقتی درباره حقوق حیوانات صحبت می‌کنیم، در درجه اول درباره یک «حق» صحبت می‌کنیم: حق دارایی کسی نبودن. براین اساس، نگهداری و پرورش حیوانات نیز غیراخلاقی است.» به عبارت بهتر حتی نگهداری از حیوانات اهلی مثل بعضی از پرندگان، سگ و گربه و حتی برخی از ماهی‌هایی که توی آکواریوم خانه‌مان هستند هم غیر اخلاقی است چرا که ما آنها را به دلیل لذت بردن، آرامش، تنها نبودن و ... به خانه آورده‌ایم.

اما بگذارید به عبارت «حق دارایی کسی نبودن» برگردیم، معنای این عبارت چیست؟ حیوانات از نظر اخلاقی مساوی با اشیا نیستند که بتوانیم آنها را متعلق به کسی بدانیم و کسی را مالک آنها در نظر بگیریم اگر این طور باشد پس آنها را شیء فرض کرده‌ایم. همه ما بر این اعتقاد توافق داریم که تمام انسان‌ها صرف نظر از ویژگی‌های خاصی که دارند، حق این را دارند که با آنها هم‌چون دارایی شخصی دیگر رفتار نشود.

شاید شما بگویید وقتی ما حیوانی را به خانه می‌آوریم دوستش داریم و دلمان می‌خواهد برایش زندگی بهتری فراهم کنیم چون بیرون از خانه ممکن است طعمه حیوانات دیگر شود و یا غذای خوب و سالم پیدا نکند و در سرما و گرما بی‌خانمان شود.

ممکن است این نکات درست باشد اما چند لحظه به دوران برده‌داری فکر کنید و مالکی را تصور کنید که می‌گوید برده را همچون عضوی از خانواده گرمی می‌دارد و نیازهای کلی او مثل غذا و جای خواب را تامین کند؛ ولی بعضی از علایق و نیازهای او را بی‌ارزش بداند و یا اصلاً فراموش‌شان کند. در چنین شرایطی می‌شود گفت برده‌داری کاری است که برای برده‌ها لازم است چون آن‌ها ممکن است نتوانند به تنهایی از پس زندگی سخت و خطرناک بیرون از خانه بر بیایند؟

حتی ممکن است در زمان‌های قدیم بسیاری از کشورها برای نظارت بر برده‌داری و این که ظمی به برده‌ها نشود قوانین زیادی وضع کرده باشند؛ اما اساساً در هیچ شرایطی، برتری مالک به برده از بین نمی‌آورد.

گرچه این ماجرا زمانی رخ داد که انسان می‌خواست بعضی از حیوانات را به دلیل مزایایی که برایش داشتند در نزدیکی خانه خود نگه دارد تا در ازای غذا و جای خواب، خدماتی مثل نگهبانی، تخم گذاشتن و غیره به او بدهند اما در طی این فرآیند نوعی وابستگی در حیوانات به اصطلاح اهلی شده به وجود آمد. نگهداری حیوان در شرایط خانه و دور کردنش از سبک زندگی طبیعی و چرخه زیست خودش، قدرت تصمیم‌گیری را از او گرفت. حیوان کم‌کم به مثابه شیء فرض شد که جزو دارایی انسان به حساب می‌آمد و حق انتخاب محل زندگی و خیلی چیزها را از دست داد.

شاید فکر کنید افرادی که حیوانی را برای مراقبت و نگهداری به خانه می‌آورند چنین نگاهی به حیوان ندارند ولی بهتر است از زاویه دیگری هم به ماجرا نگاه کنید. وقتی ما سرپرست حیوانی می‌شویم یعنی می‌توانیم تصمیم بگیریم بعضی از حیواناتی که به خانه آوردیم را عقیم کنیم و یا اگر دردی داشته باشند و بیمار شوند با کمک دامپزشک آنها را بکشیم، می‌توانیم از آنها برای نگهبانی و یا سرگرم کردن اعضای خانواده استفاده کنیم و اگر روزی خانه کوچک‌تری داشتیم یا مهاجرت کردیم و یا بچه‌دار شدیم آنها را به خانه‌های دیگر بسپاریم و یا تصمیم بگیریم در طبیعت رهاشان کنیم. همه اینها شکل‌هایی از دارایی فرض کردن حیوانات است.

## این یک حیوان خانگی است، در طبیعت می‌میرد!

ما حیوانات را به دو دسته اهلی و غیر اهلی یا همان وحشی تقسیم‌بندی می‌کنیم، تا به حال فکر کرده‌اید این حیوانات اهلی اصلاً از کجا پیدایشان شد و چه روزهایی را گذراندند تا اهلی شدند؟

انسان به بسیاری از این حیوانات نیاز داشت تا امور روزمره‌اش را بگذراند و آنها را در کنار خودش نگهداری کند. به این ترتیب سبک زندگی بعضی از این حیوانات در گذر زمان تغییر کرد و آنها هر روز بیشتر به انسان‌ها وابسته شدند. این وابستگی ضعف و آسیب‌های مداوم برای آنها در پی داشت و از زندگی طبیعی و عادی دورشان می‌کرد.

برای همین است که در زمانه حاضر وقتی از کسی می‌خواهید پرنده‌ای که در قفس دارد را آزاد کند به شما خواهد گفت این پرنده بدون من نمی‌تواند زندگی کند و اگر از خانه بیرون برود بلافاصله توسط یک گربه شکار می‌شود. این جمله توجیهی است برای این که ما همیشه به همین روال نگهداری حیواناتی که به اصطلاح اهلی شده‌اند ادامه دهیم؛ حالا می‌خواهد پرنده باشد یا گربه و سگ و یا حتی ماهی‌های آکواریومی!

درباره این گونه از حیوانات رویکردهای مختلفی وجود دارد عده‌ای معتقدند بی‌رحمی ما انسان‌ها به حیوانات اهلی می‌تواند همین رهاسازی‌شان در طبیعت باشد و بعضی هم می‌گویند به هر حال، این رویه غلط که سبک زندگی بعضی از حیوانات را متناسب با خواسته‌های خودمان تغییر دادیم نباید ادامه پیدا کند و می‌تواند از جایی قطع شود.

درباره درستی هر کدام از این روش‌ها نظریات علمی مختلفی وجود دارد اما چیزی که مسلم است این است که با انتخاب‌هایی که در گذشته داشتیم باید برای همیشه زندگی این حیوانات اهلی را کنترل کنیم و این روند کاملاً غیر اخلاقی خواهد بود. شاید حالا دیگر به آسانی نتوانیم راه حل خوبی برای آزاد کردن حیوانات اهلی شده و خانگی پیدا کنیم؛ اما خوب است آگاه باشیم که در طول زمان چه‌طور حیات آنها را دگرگون کرده‌ایم.

درباره حیواناتی که برای تهیه گوشت‌شان استفاده می‌شوند هم همین رویکرد وجود دارد ولی از آن‌جایی که بحث این مطلب صرفاً درباره نگهداری از حیوانات در خانه است به آن بخش ماجرا نمی‌پردازیم.

«استر ولفسون» نویسنده و روزنامه نگار اسکاتلندی که کتاب‌ها و مقالات زیادی درباره حقوق حیوانات دارد، می‌گوید پرورش، فروش و نگهداری از حیوانات خانگی این روزها به صنعت بین‌المللی عظیمی تبدیل شده است. علاقه ما به نگهداشتن «سگ‌های پاکوتاه پشمالو» یا «گربه‌های کوچولوی چشم‌درشت» در ظاهر ایرادی ندارد، اما در عمل، چرخه بزرگی از رنج و آسیب را به راه می‌اندازد. از بیماری‌های ژنتیکی دردناک در گونه‌های اصلاح‌شده بگیرد تا بی‌توجهی به حیواناتی که فکر می‌کنیم زشت یا بی‌فایده‌اند.

## چه کنیم تا ناخواسته حیوان خانگی‌مان را عذاب ندهیم؟

اگر از بحث اخلاق مواجهه با حیوانات کمی فاصله بگیریم و به زندگی اکنون‌مان برگردیم احتمالاً این سوال در ذهن‌مان پر رنگ می‌شود که خب حالا که این گربه را به سرپرستی گرفته‌ام و نمی‌توانم رهاش کنم کار درست چیست؟ با پرنده کوچکی که هر روز منتظر آب و غذاست یا ماهی‌های زیبای در آکواریوم که در آب بدون پمپ اکسیژن، از بین می‌روند چه کنم؟

درباره نگهداری از حیواناتی که به هر دلیلی آنها را وارد فضای زندگی خود کرده‌ایم مرام‌نامه و قوانینی وجود دارد. (گرچه در بحث اخلاقی آن، طراحی همین قوانین هم نوعی از بین بردن حقوق حیوانات است؛ ولی باز هم روش منصفانه‌تری برای مواجهه با حیوانات خانگی ارائه می‌دهد.) در این قوانین نکات مهمی وجود دارد که به ما یادآوری می‌کند این حیوان قرار نیست وسیله‌ای باشد

که روزی دوستش داشته باشیم و روز دیگری به خاطر شغل جدید، اسباب‌کشی، ازدواج و یا بچه‌دار شدن کنار بگذاریمش و یا او را آواره جایی که مطمئن نیستیم چطور مراقبش هستند، کنیم.

اگر متوجه بیماری یا عارضه‌ای در بدنش بشویم او را به حال خود نمی‌گذاریم و حتماً با کمک پزشک از سلامتی‌اش مراقبت می‌کنیم یعنی دقیقاً حقوقی که برای انسانی که در کنار ما زندگی می‌کند را برای آن حیوان هم قائل هستیم. از طرفی نیازهای غذایی و عاطفی حیوان خانگی باید برای‌مان مهم باشد، نمی‌شود بگوییم تا شب صبر کن تا برایت غذا تهیه کنم! نمی‌شود او را در اتاق، سرویس بهداشتی و یا خودرو حبس کرد چون مهمانی داریم که از حیوانات خوشش نمی‌آید! در واقع برای این که حیوانی را به خانه بیاوریم و سرپرستی‌اش را به عهده بگیریم پرسش‌های زیادی وجود دارد که باید از خود بپرسیم.

پرسش‌هایی درباره این که می‌توانیم شرایط بهتری از شرایط فعلی او برایش فراهم کنیم؟ می‌توانیم پاسخگوی نیازهایش باشیم و او را در رنج و سختی قرار ندهیم؟ می‌توانیم از پس هزینه‌های پزشکی و درمان و تغذیه‌اش برآییم؟ حیوانی که در مرور زمان به واسطه تصمیمات ما انسان‌ها اهلی شده به صورت ناگهانی تغییر نمی‌کند و نیازهای پزشکی و سلامتیش با شرایط زندگی در طبیعت کاملاً تغییر یافته است.

مسئله بعدی معامله نکردن حیوانات است. ما به دنبال یک کالای لوکس برای خانه‌مان هستیم و یا حامی حقوق حیوانات اهلی بی‌سرپرست و بی‌خانمان؟ این مهم‌ترین پرسشی است که قبل از هرچیز باید از خودمان بپرسیم. نوع و نژاد خاص آن حیوان است که برای‌مان جذاب و محبوب است یا مراقبت و کمک به حیواناتی که سال‌هاست حقوق‌شان را تغییر داده‌ایم؟

انتخاب حیوانات غیر اهلی که هیچ سازگاری با محیط زندگی ما ندارند یکی دیگر از کارهایی است که در گذر زمان می‌تواند زیست آن حیوان را تغییر دهد و باعث شود دیگر هیچ‌وقت نتواند به محیط زندگی اصلی‌اش برگردد. این که ما عاشق حیوانات هستیم با حامی حقوق آنها بودن، دو بحث کاملاً مجزا هستند و باید مراقب بود عشق و علاقه بی‌اندازه‌مان به حیوانات، دردسرهای تازه‌ای برای گونه‌های مختلف آنها ایجاد نکند.

**منابع:** گری فرانسویون، آنا چارلتون، پیتر سینگر، استر ولفسون و آرامش شهبازی.

[دیجیاتو](#)